

دورنمای رستاخیز در آموزه‌های قرآن و ادیان غیر ابراهیمی

اکرم بندعلی شمشکی*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۲

چکیده

از دیرباز اقوام بشر و ملل و نحل مختلف به این سؤال پاسخ‌های متفاوت و حتی متضاد داده‌اند: برخی را عقیده بر آن بوده است که مرگ نیستی کامل است و انسان به کلی معدوم می‌شود. بعضی به تناسخ قائل شدند و گفتند ارواح آدمیان پس از مرگ (فناناپذیری روح) به بدن جانور یا انسان گیاه، جامدات وارد شده و به زندگی خود در همین جهان ادامه می‌دهد، و جمعی کثیر که اغلب از سرچشمه تعالیم پیامبران سیراب شده‌اند جهانی دیگر را باور داشته‌اند و به پاداش و مجازات نیکوکاران و بدکاران معتقد بوده‌اند. فلاسفه و حکما نیز بر حسب نحله‌ها و مذاهب و مذاق‌های خود آراء و افکار گوناگونی در این زمینه اظهار کرده و به سخنان در قالب استدلال و بیان فلسفی یا عرفانی پرداخته‌اند، و آنانی که زندگانی را محدود و محصور به همین حیات دنیوی انگاشته‌اند در حقیقت مردمان سطحی‌نگر و عامی و طرفداران طرز فکر ماتریالیسم بوده و هستند.

کلیدواژگان: دورنما(منتظر)، رستاخیز، آموزه‌های قرآن کریم، ادیان غیر ابراهیمی.

مقدمه

معاد از ریشه عود است و عود به معنای رجوع و بازگشت و معاد مصدر میمی و اسم زمان و مکان، و به معنای مکان و زمان بازگشت و روز بازپسین است، و در اصطلاح متکلمان و فیلسوفان معاد به معنای بازگشت تمام موجودات به سوی خداوند عالم به منظور حسابرسی است.

پس از ایمان به خدا(توحید)، حقیقی‌ترین نکته‌ای که انسان باید به آن دست یابد و معتقد شود ایمان به معاد است تا در ابدیت خود، بدون ذخیره نباشد. منشأ اعتقاد به معاد همان توجه به روح مجرد انسان است که با اندک تأملی انسان متوجه می‌شود علاوه بر این تن یک روح یا منی دارد که بدون بدن دارای وجود مستقلی است و بقاء بحث اثبات تجرد روح به این نکته است(طاهرزاده، ۱۳۸۶: ۲۲).

معاد و بازگشت به سوی حق از نظر آیات قرآنی و احادیث یک مسأله کلی و عام است و مخصوص به انسان و یا به طبقه خاصی از موجودات نیست. چه بسا بعضی خلاف این بیندیشند و معتقد باشند. ولی با کمی تأمل و دقت در آیات قرآن کریم و روایات و تدبر در اشارات موجود در متون اسلامی، کلیت معاد و بازگشت معلوم می‌شود، وجود و هستی از مبدأ متعال بوده و از او سرچشمه می‌گیرد و به سوی او بازگشت می‌کند و این بازگشت بر اساس عشق هر وجود و هر موجود است نسبت به کمال بی‌نهایت و جمال و جلال مطلق(آیت‌الله شجاعی، ۱۳۹۷: ۱۱).

پایه و اساس ادیان آسمانی(ابراهیمی) که مایه سعادت انسان‌هاست، بر ایمان باطنی و یقین قلبی استوار است. تمام پیامبران خدا در طول قرون و اعصار با تعالیم دینی خود، مردم را دعوت نموده‌اند، که به آفریدگار جهان، به صفات او، به فرشتگان و به وحی الهی به نبوت و به قیام قیامت و به زنده شدن مردگان، به حسابرسی اعمال و به ثواب و عقاب الهی مؤمن و موقن باشند و ایمان به روز جزا، حس مسئولیت را در نهاد بشر بیدار می‌کند و به راه وظیفه‌شناسی سوق می‌دهد(فلسفی، ۱۳۶۴: ۲۹۵).

در آموزه‌های قرآنی؛ آیات بسیاری در قرآن مجید وارد شده است که دلالت می‌کند بر اینکه بازگشت همه چیز و بازگشت انسان به سوی خداست.

۱- ﴿أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ﴾: آگاه باشید که همه امور به خدا بازمی‌گردد(شوری / ۵۳)

- ۲- ﴿إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ﴾: بازگشت به سوی خداست (نور/ ۴۲)
- ۳- ﴿وَالِيهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ﴾: و به سوی خدا برمی‌گردد تمام مراتب و درجات امر (هود/ ۱۲۳)
- ۴- ﴿إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾: به سوی خدا برمی‌گردد امرها و شئون و وجهه موجودات (فاطر/ ۴)
- ۵- ﴿ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ﴾: پس به سوی پروردگارتان بازگشت خواهید نمود (سجده/ ۱۱؛ جاثیه/ ۱۵)
- ۶- ﴿إِنَّا إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجِعِيُّ﴾: به درستی که حَقّاً به سوی پروردگار تو، ای پیغمبر بازگشت همه خواهد بود (علق/ ۸)
- ۷- ﴿إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ﴾: به سوی خداست بازگشت همه شما (مائده/ ۴۸)
- ۸- ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾: حتماً ما برای خدا هستیم و ما به سوی او از بازگشت کنندگان ایم (بقره/ ۱۵۶) (حسینی تهرانی، ۱۴۳۷ق: ۶۴-۶۳)
- ادیان غیر ابراهیمی از جمله دین زرتشت نخستین مذهبی است که در جهان از مسأله حیات عقبی و مسأله قیامت سخن به میان آورده، و مسأله آخر الزمان را به مفهوم کامل خود طرح کرده است (جان ناس، ۱۳۷۳: ۴۶۴).
- دین جینیزم، بر خلاف هندوان که در اولین درجه عمل انسان را سرچشمه سعادت یا نجات او می‌داند بر آن است که آدمی کارها و افعال خود را می‌چیند، و باید طوری رفتار و کردار خود را پیراسته سازد که از آرایش ماده در امان ماند و در مراحل و مراتب روحانیت وجود سیر و صعود کنند (جان ناس، ۱۳۷۳: ۱۲۸).
- در آیین بودایی تبتی، یکی از مناسک مهم در این آیین مربوط به محتضر است، در سنت وَجُوه یانه، شخص پس از مرگ وارد برزخ (بردو) می‌شود و ۴۹ روز آنجا می‌ماند که به تفضیل توضیح داده خواهد شد (شجاعی، ۱۳۹۶: ۹۵).
- اعتقاد به قانون کرمه، موکشه (رهایی) و سمساره در آیین بودای هند که به فناناپذیری روح اشاره دارد و بررسی مسأله معاد، در یونان و مصر در آیین ژاپنی، و بررسی مسأله معاد در آیات قرآن، و دلایل قرآنی، سنت و اجماع و عقل، معاد جسمانی، تناسخ، دلایل وجود معاد، و مسأله معاد در ادیان غیر ابراهیمی و بررسی آن در اقوال

عرفاء و فلاسفه که به تفضیل مورد بررسی خواهد گرفت. بحث ما درباره مسأله معاد است و معاد بعد از مسأله توحید مهم‌ترین مسأله دینی و اسلامی است، و پیغمبران آماده‌اند که مردم را به این دو حقیقت، یکی به خدا(مبدأ) و دیگری به قیامت، مؤمن و معتقد کنند و مسأله معاد چیزی است که برای یک مسلمان ایمان به آن لازم است(مطهری، ۱۳۷۳: ۱۳).

موضوع معاد در اسلام با دلیل‌های مختلف مانند دلیل عقل و آیات قرآن و سنت پیامبر و اجماع ثابت گردیده است.

پیشینه تحقیق

رستمی زاده و محمدی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی حقیقت عالم برزخ» به این نتیجه رسیده‌اند خداوند در قرآن از زاویه‌های مختلف به مسأله حیات پس از مرگ، عالم برزخ و جهان آخرت پرداخته است؛ از این میان می‌توان حداقل بیست آیه را یافت که بر جهان برزخی دلالت دارد و از مجموع این آیات حقیقت وجود عالم برزخ تا حد زیادی روشن می‌شود. این پژوهش در صدد بررسی عالم برزخ در آیات مذکور است، که از یک طرف ذهن مخاطب را به حقیقت عالم برزخ متوجه می‌کند، و از طرف دیگر در ساماندهی اعمال و رفتارشان که تعیین کننده وضعیت او در عالم برزخ است نقشی اساسی دارد؛ لذا در این راستا به مفهوم شناسی برزخ، تفسیر، شرح و توضیح آیات مربوط به این موضوع، فلسفه برزخ، و در نهایت بهشت و جهنم برزخی و تفاوت آن با بهشت و جهنم رستاخیز به منظور بیان حالت‌های آن عالم اشاره می‌شود.

سید قطب (۱۳۴۶)؛ کتابی با عنوان «دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن» درباره روز رستاخیز از دیدگاه قرآن و ادیان دیگر مسأله معاد مسأله بسیار گسترده‌ای است زیرا از یک جهان بسیار وسیع سخن می‌گوید، و چون عالمی است ناآشنا و از جهات زیادی با جهان ما متفاوت است نخست اینکه به خاطر تازگی‌هایش حس کنجکاو هر انسانی را برمی‌انگیزد. دیگر اینکه توجه به مسأله معاد و مخصوصاً جزئیات، اثر روانی و تربیتی فوق العاده سازنده‌ای در روح انسان و طبعاً در تمام زندگی او دارد در جای جای قرآن مجید بعد از موضوع ایمان به جهان دیگر آمده و تقریباً در ۳۰ آیه این

دو موضوع را قرین هم قرار داده و در بیش از یکصد مورد به الیوم الاخر اشاره نموده است. صراط پلی که بر روی دوزخ کشیده شده و همگان باید از آن بگذرند که در این مورد تعبیرات فراوانی شده که نشان می‌دهد که برای وصول به کانون رحمت الهی یعنی بهشت باید از روی جهنم گذشت و این کار جز برای نیکان میسر نیست. افراد آلوده و مجرم هرگز قدرت عبور از این پل و گذرگاه را ندارند و به زودی در دوزخ سقوط می‌کنند.

قضاوت عقل در خصوص معاد

دلیل عقل: بعد از آنکه معلوم شد این جهان را خالق و صانعی است و حکیم که جهانیان را به خواست و اراده خود آفریده و به تکلیف‌هایی و ادله نموده است و پیامبرانی برای هدایت بشر فرستاده است. بعضی از افراد سر فرود آورده و اطاعت می‌کنند و گروه دیگر از سر بر فرمان خداوند متعال پیچیده و از هرگونه جنایت باز نشسته‌اند، و در دسته اول که شاید در شکنجه و ظلم ستمکاران گرفتار بوده‌اند و تا آخر عمر مبتلا به غم و اندوه هستند، و به روز رستاخیز معتقد بوده و روز انتقام می‌دانند و اینجا عقل بعد از بررسی کامل مستقیماً حکم می‌کند، باید بعد از این جهان، عالمی وسیع‌تر و محکم‌های طولانی باشد تا به مقتضای عدل الهی به حساب گناهکار و نیکوکار رسیدگی می‌کند. در حقیقت عالم آخرت نتیجه زندگی دنیاست و روی این حساب اگر کسی بگوید قیامت وجود نخواهد داشت مانند آن است که گفته اصولاً خلقت جهانیان عبث و بیهوده بوده است و یک سری سؤالاتی که در ذهن ایجاد می‌شود، که آیا امکان دارد در نظر خدای حکیم و بی‌گناه، ستمگر، مؤمن و کافر یکی باشد؟ و آیا عاقلی است که آفریدگار جهان را بشناسد ولی خلقت جهانیان را بیهوده پندارد؟ و آیا می‌شود گفت همچنان که در این جهان گناهکاران و زورگویان جبار آزادند و خدای عادل آن‌ها را فراموش کرده است و روزی نخواهد آمد که به حساب آن‌ها رسیدگی کند؟ این‌ها مطالبی است که فهم آن برای عقل بدیهی است و احتیاج به نقض ندارد و شخص با اندک تأمل در حساب اعمال جهانیان درک می‌کند که معاد موضوعی است حتمی و از جانب خدای عادل وعده‌ای است تخلف‌ناپذیر (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۱۷-۱۶).

قضاوت سنت و اجماع در خصوص معاد

دو موضوع روشن که نیاز به شرح ندارد. در آثار و کلمات پیامبر گرامی اسلام متجاوز از صدها حدیث صحیح رسیده و ائمه اطهار در جلسات مناظره خود با آن‌ها استشهاد می‌نموده‌اند و آثار قرآنی و گفتار پیامبران است که مسلمانان جهان بلکه کلیه پیروان کتب آسمانی در اصل وجود معاد تردید ندارند. این اجماع و اتفاق به حدی شایع است که هر کس به ادیان آسمانی آشنایی نداشته باشد در اولین برخورد به مقدسات مذهبی مانند عقاید اسلام می‌یابد که مسأله معاد از موضوعاتی است که در اصل تحقق آن اختلاف نیست (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۱۸).

همانطور که اشاره شد، ۲۰۰۰ آیه از آیات الهی قرآن درباره معاد است که در اینجا به صورت اجمالی به مسأله معاد در آیات الهی اشاره می‌شود.

دلایل کلیت معاد از نظر قرآن

در سوره انبیاء آیه ۱۰۴ می‌فرماید:

﴿يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِّيلِ لِكُتُبٍ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدَّ عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ﴾
در این آیه به صراحت می‌فرماید: به طوری که خلقت را ابتدا آغاز کردیم همین خلقت را بازگشت هم می‌دهیم (کما بدأنا اول خلق نعيدة) (آیت الله شجاعی، ۱۳۹۷: ۱۲).
در سوره یونس آیه ۴ می‌فرماید:

﴿إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ وَعَدَّ اللَّهُ حَقَّ أَيِّدِ الْخَلْقِ ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ﴾

در این آیه شریفه بعد از بیان این واقعیت که بازگشت همه به سوی اوست (الیه مرجعکم جمیعا) و اینکه بازگشت وعده الهی و وعده حق است (وعد الله حقا) که به بیان این حقیقت می‌پردازد که این بازگشت گوشه‌ای از یک جریان کلی و قطعه‌ای از یک بازگشت کلی و اعاده همه خلق است (انه یبدؤ الخلق ثم یعیده) که همه خلق را بازگشت داده و اعاده خواهد نمود (همان: ۱۲). سوره عنکبوت آیه‌های ۱۹ و ۲۰ می‌فرماید:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ إِنَّ ذَلِكُمْ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۱۹﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النُّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾﴾

در این دو آیه در مرحله اول به منظور ارشاد و هدایت آنانی که از بازگشت به سوی حضرت حق در غفلت هستند توجه ندارد، و به مسأله بازگشت کلی و معاد کلی را تذکر داده است و به تفکر و تأمل هدایت نموده و در آیه دوم: آنان را تشویق و ترغیب به سیر فی الأرض کرده و می‌فرماید: به سیر و تفکر پردازید و بیندیشید که خدای متعال چگونه خلق را آغاز می‌کند و علی‌الاصول با اعاده و بازگشت دادن، همین خلق را وارد نشأه دیگر می‌سازد. این دو آیه این حقیقت را به انسان می‌فهماند که چون وجود و همه خلقت بر اساس مشیت حق و اراده اوست در حرکت و بازگشت هستند و این بازگشت با تأمل و تدبیر برای شما انسان‌ها معلوم می‌شود (همان: ۱۳-۱۲).

سوره روم آیه ۱۱ می‌فرماید:

﴿اللّٰهُ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾

در این آیه این حقیقت مطرح است که مبدأ متعال خلقت را آغاز کرده و سپس اعاده نموده و بازگشت می‌دهد، و ترجمه ساده آن: خداوند متعال خلق را آفرید (اللّٰهُ يَبْدُو الْخَلْقَ) و سپس خلق را اعاده نموده و بازگشت می‌دهد (ثُمَّ يُعِيدُهُ) و سپس شما انسان‌ها به سوی او بازگشت داده می‌شوید (ثُمَّ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) (همان: ۱۳).

در همین سوره در آیه ۲۷ می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَمُّونٌ عَلَيْهِ﴾

در این آیه باز به این حقیقت اشاره می‌کند که خدای متعال خلق را آغاز کرده و اعاده می‌کند و اعاده خلق برای حضرت حق مسأله سختی نیست و به عبارت روشن‌تر اصل خلق و ایجاد طوری است که در نهاد فطرت همه خلق و همه وجود، حرکت و بازگشت به صورت یک خواست فطری نهاد شده است (همان: ۱۲).

در سوره یونس آیه ۳۴ می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلْ اللّٰهُ يَبْدُو الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَآلَيْ تَتَوَفَّكُونَ﴾

در این آیه نیز علاوه بر اشاره اصل اعاده کلی خلق به این حقیقت اشاره می‌کند که این اعاده کلی یکی از مظاهر قدرت مطلقه مبدأ متعال بوده، و اوست که هم خلق کرده و هم طوری خلق کرده که همه به سوی او در حرکت‌اند. به رسول اکرم (ص) خطاب می‌کند که به مشرکین بگو آیا از شرکاء تخیلی و مصنوع شما کسی پیدا می‌شود که

خلق و ایجاد بکند و سپس آنچه را که خلق کرده است اعاده بازگشت بدهد؟ و سپس به آن حضرت خطاب می‌فرماید: این خدای متعال است که خلق می‌کند و سپس اعاده و بازگشت می‌دهد(همان: ۱۵).

سوره اسراء آیه ۵۱ می‌فرماید:

﴿فَسَيَقُولُونَ مِنْ يَعِينُ نَاقِلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ﴾

در این آیه مسأله اعاده انسان‌ها و مسأله معاد را از جانب همان مبدأ وجود که اصل وجود ابتدایی انسان‌ها از اوست می‌داند و در جواب آنانی که می‌گویند: کیست که ما را اعاده می‌کند و بازگشت می‌دهد؟ به رسول اکرم(ص) خطاب می‌کند که به آنان بگو آن خدایی که شما را از ابتدا به وجود آورده شما را اعاده کرده و بازگشت می‌دهد. این‌ها نمونه‌ای از آیات قرآنی که همه آن‌ها در مجموع دارای مضمون واحدی است و آن اینکه: خلق هر موجودی و هر مخلوقی به دنبال خود اعاده آن موجود و مخلوق را می‌آورد. این آیات مجموعاً حکایت از این حقیقت می‌کند که اراده و مشیت حق اعاده هر مخلوق و بازگشت دادن هر موجودی است که پا به عرصه وجود می‌گذارد(همان: ۱۵).

آیا معاد جسمانی است؟

مسأله دیگر در بحث معاد، جسمانی یا روحانی بودن است. بر خلاف تصورات کسانی که خیال می‌کنند معاد تنها جنبه روحانی دارد یعنی انسان با مردن دیگر با همین جسم زنده نمی‌شود و جزای کار نیک و بد خود را از طریق لذت‌ها و کیفی‌های روحی دریافت می‌کند. ولی بر عقیده قرآن که از لابه‌لای ده‌ها آیه به دست می‌آید که معاد جسمانی است. که از همین استخوان‌های پوسیده از همین قبرها بیرون می‌آید. در سه جای قرآن می‌خوانیم که روز قیامت از اجداث که به معنی قبرهاست مردگان زنده و بیرون می‌آیند. ﴿يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾ (معارج/ ۴۳؛ قمر/ ۷؛ یس/ ۵۱). در جای دیگر می‌فرماید: ﴿مَنْ بَعَثْنَا مِنْ مَرْقَدِنَا﴾ (یس/ ۵۲) که مرقد به معنای خوابگاه و قبر است.

انکار کفار در مورد زنده شدن روح نبود بلکه از زنده شدن استخوان پوسیده بود آن‌ها می‌گفتند: ﴿إِذْ صَلَّلْنَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ﴾ (سجده/ ۹) آیا در زیر خاک پوسیده و ذرات ما در این عالم گم شود باز ما زنده خواهیم شد که قرآن گاهی با استدلال و گاهی با بیان

نمونه‌ها این استبعاد آنان را پاسخ می‌گوید. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَعْثُ فِي الْقُبُورِ﴾ (حج / ۷) و آیه ﴿أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا﴾ (زلزال / ۲) که در هر دو آیه اشاره به مبعوث کردن خداوند کسانی را که در قبر هستند و سنگینی‌ها که همان مردگان‌اند از دل خود بیرون می‌اندازد (قرائتی، ۱۳۶۳: ۲۱۸-۲۱۷).

قرآن با اشاره به دو داستان در قرآن کریم چگونگی زنده شدن مردگان و بیان معاد جسمانی در قاب این دو داستان.

داستان حضرت ابراهیم و حضرت ارمیا

داستان حضرت ابراهیم هنگامی پیش آمد که آن حضرت از کنار دریایی می‌گذشت و مرداری را دید که نصف آن در آب و نصف دیگرش در خشکی افتاده، و حیوانات دریایی و صحرایی از آن‌ها می‌خوردند که حضرت ابراهیم به فکر موضوعی افتاد و آن مسأله زنده شدن اموات و قرآن مجید هم در آیه ۲۶۲ بقره این بیان را حکایت می‌کند:

﴿إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ وَلَكِنْ لِيُطَمِّنْ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْءًا مِمَّا يَتَذَكَّرُ إِنَّكَ عَلَىٰ أَعْيُنِنَا وَإِنَّا لَآلِئِمٌّ فَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾

و داستان ارمیا که حضرت ارمیا بعد از خاتمه جنگ که بخت النصر، بیش‌تر شهرها و خانه‌ها را ویران کرده بود و حضرت ارمیا که در اورشلیم به سر می‌برد گاهی روی خرابه‌ها اطراف شهر قدم می‌زد و بر گذشته خود متأسف بود، و از مشاهده این منظره (کشته شدگان جنگ در زیر عمارات خراب، پوسیده و گندیده به جای مانده بودند) به فکر قیامت و کیفیت آن افتاد که از خداوند سؤال فرمود و قرآن از این داستان در سوره بقره ۲۶۱ حکایت می‌کند (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۱۹-۱۸):

﴿أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةً عَامًا ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةً عَامًا فَانظُرْ إِلَىٰ طِعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَىٰ الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لِحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾

اقوال فلاسفه و عرفا درباره معاد جسمانی

همه فلاسفه و عرفا به اصل معقولیت معاد معتقدند لکن بعضی از آنان در چگونگی حشر اختلاف کرده‌اند و عده‌ای را باید در ردیف منکرین معاد جسمانی محسوب داشت.

۱. بعضی از مشائین در گفتار خود قائل‌اند به معاد روحانی یعنی بدن و اجزاء آن و صورت انسانی از بین می‌رود فقط روح است که باقی می‌ماند و فناپذیر نیست.

۲. بعضی دیگر از فلاسفه مشائین مانند *ابونصر فارابی* می‌گوید: معاد، جسمانی است

لکن تعلق روح را بعد از موت به جرمی از افلاک و یا از دخان و هوا می‌دانند.

۳. *صدر المتألهین* از کلماتش گاهی استفاده می‌شود که حشر را با صورت نوعیه بدون عینیت جرم و عناصر بشری دانسته، یعنی اجزاء بدن بعد از مرگ زایل و دایره شده بازگشت ندارد؛ و یا مقدمات یازده گانه و رفع شبهات به نظر خود معاد حقّه را با این صورت معنی کرده است البته به قالب مثالی بی‌شبهات نیست. *صدر المتألهین* و امثال آن هم به تمام گفته‌های خود ایمان واقعی داشته باشند زیرا بر خلاف گفتار سابق هم مشاهده می‌شود در کتاب «عریشه» می‌نویسد: بدن‌های اشخاص روز قیامت بازمی‌گردد و همچنان که شریعت اسلام آورده و در قرآن مجید فرموده: آیا گمان می‌کنید که بیهوده آفریده شده‌اید و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد؟

۱. *تناسخیه*: مانند *یونان* سفسندی قابل شدن به تبدیل روح انسان بعد از مرگ به

جسم دیگر.

۲. *شیخیه*: که در رأس آنان، *شیخ احمد/حسانی* می‌باشد قابل است به تبدیل ارواح و در قالب حور قلیا و آن را عالم المثل و عالم غیر محسوس گویند که حور قلیا دارای عنصر است از عالم دیگر و غیر مادی ترکیب شده است، و آن عالم همان عالم (حور قلیا) نامیده شده است که بعد از مرگ جسم روح انسان به همان جسد حور قلیانی محسوس خواهد شد و موقعی که انسان بمیرد جسد حور قلیایی به شکل دائره در قبر باقی می‌ماند و به عالم حور قلیا منتقل می‌شود.

۳. بعضی صوفیه اهل تأویل و قائلین به حلول و اتحاد را می‌توان در ردیف منکرین معاد جسمانی دانست، و نظایر این گونه عقاید بسیار به نظر می‌رسد که مفاد آن مخالفت با قرآن است (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۳۸-۲۵-۲۴-۲۳).

نظر شیخ ابو علی سینا در مورد معاد جسمانی

از دیدگاه بو علی سینا که باید تقدیر نمود: باید دانست معاد همان است که از شرع رسیده و راهی برای اثبات چگونگی آن نیست که جزء تصدیق نمودن گفتار پیغمبر اسلام(ص) یعنی معاد برای بدن انسانی است در روز قیامت و محل رسیدن خیرها و عذاب‌ها همان بدن خواهد بود، و نیازی به بحث نیست زیرا شریعتی که سید و مولای ما محمد بن عبدالله(ص) آورده مفصل شرح داده حالات بدن را در رسیدن به شقاوت و سعادت. به طور مسلم این حکیم اسلامی با فکر و دقت فلسفی در مقام اثبات معاد جسمانی برآمده لکن به نظر او حل اشکالات عقلی ممکن نبود به ناچار از راه تعبّد اعتراف می‌کند به مبانی مسلمة ضروریه که به وسیله پیامبر رسیده است(همان: ۲۴).

آیات عدل خداوند

﴿مَنْ نَجَّلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ﴾

(ص / ۲۸)

«آیا مؤمنین کسانی عملی شایسته انجام می‌دهند مانند مفسدین و آیا ما

متقین را همچون فجّار و جنایتکاران یکسان قرار می‌دهیم؟»

و در جای دیگر می‌فرمایند:

﴿أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ﴾ (قلم / ۳۵)

«آیا ما مسلمانان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟»

﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ﴾ (سجده / ۱۸)

«آیا مؤمن و فاسق یکسان‌اند؟!»

دلیل دوم معاد حکمت خداوند

تا کنون عدل خدا را به عنوان دلیل معاد بیان کردیم و اکنون دلیل دیگری مطرح می‌شود و آن اینکه اگر قیامتی نباشد اصل آفرینش انسان و جهان لغو و بیهوده و خلاف حکمت الهی است. سفره‌ای بر اساس رحمت و حکمت خداوند: ﴿كُنَّ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ﴾ (انعام / ۱۲) او لطف و رحمت را بر خود حتمی نموده است. قرآن حدود صد مرتبه خدا را

به کلمه حکیم توصیف فرموده و نشانه‌های حکمت آن را در همه جا مشاهده می‌کنیم و اگر فقط ما بودیم و همین عالم دنیا و ماوراء این دنیا و بعد از این عالم، عالمی نبود، آفرینش انسان و بقیه موجودات عبث و بیهوده بود، و باید عالم دیگری باشد تا آفرینش انسان غیر حکیمانه نباشد و قرآن هم به این برهان اشاره دارد:

﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ﴾ (مؤمنون / ۱۱۵)

«آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز نمی‌گردید؟»

و خلقت آسمان و زمین و دریا و خورشید و گیاه و حیوان برای انسان و انسان برای مردن و پوچ شدن کار صحیحی است؟ اگر معاد نباشد زندگی معنا و مفهومی نخواهد داشت و از حکمت خداوند است که معاد را قرار داده تا زندگی از پوچی درآید. مارکسیسم که می‌گوید حقوق کارگر، حکومت کارگری، ارزش تنها برای کار حق بیمه و بهداشت و مرخصی و اعتصاب و سود برای کارگر، در آخر کار می‌گوید همه با مرگ هیچ و بعد پوچ می‌شویم. در حالی که در آموزه‌های دینی بر خلاف مارکسیسم اندیشه می‌کنند.

بحث معاد در ادیان غیر ابراهیمی

هر چیز که در دین ماست، در ادیان دیگر هم هست و هیچ چیز از آنچه در دین ما هست در ادیان دیگر نیست. این عبارت متناقض‌نما می‌خواهد بگوید که به طور کلی همه ادیان دغدغه‌های یکسانی دارند و اختلافات آن‌ها در مصادیق و جزئیات است (توفیقی، ۱۳۹۴: ۱۰).

عقاید اقوام باستانی درباره معاد

بسیاری از اقوام باستانی عقیده داشتند که پس از مرگ، ارواح در زیر خاک در مجاورت مردم دنیا زندگانی جدیدی آغاز می‌کنند. نژاد هند و اروپایی که مردم یونان و ایتالیا از آن‌ها به شمار می‌روند معتقد بودند که آدمیان پس از زندگی این عالم از میان نمی‌روند بلکه به زندگی خود به شکلی دیگر ادامه خواهند داد. لیکن این اقدام قائل به

تناسخ نبوده و تصور آن را نمی‌کردند که روح پس از مفارقت از تن در جسدی دیگر وارد شود و در آن زندگی تازه‌ای آغاز کند و از طرف دیگر اقوام عهد قدیم به دنیای غیر از این دنیا هم که در آن رستاخیزی به وقوع بپیوندد و نیکوکاران و بدکاران در آن جهان پاداش یا کیفر یابند معتقد نبودند، و تنها به زندگی پس از مرگ در زیر خاک اعتقاد داشتند و این اعتقاد تا آنجا استوار بود که می‌پنداشتند که در زیر خاک لذات و آرام احساس می‌شود، و با توجه به این عقیده اشیائی مانند لباس و ظرف و وسایل زندگی را با مردگان به خاک می‌سپردند و بر گور آن‌ها خوراکی و آشامیدنی می‌گذاشتند تا تشنگی و گرسنگی آنان را فرو نشانند. مردگان را در مکان‌های وسیعی دفن می‌کردند تا روح مکانی برای ادامه زندگی و به آسایش و نیک بختی برسد این عقیده حتی در فلاسفه یونان نیز وجود داشته است و/رسطو نخستین فیلسوفی که عقایدی مغایر یا عقاید متدلول مردم آورده است(سید قطب، ۱۳۴۹: ۱۵).

رستاخیز در آیین زردشت

بر طبق اعتقادات زردشتیان، روان بلافاصله پس از فرارسیدن مرگ از بدن خارج می‌شود ولی به فوریت آن را ترک نمی‌کند و از آن دور نمی‌شود، مطابق نوشته‌های پهلوی و روایات زرتشتی، روح پس از خروج از بدن از آن دور نمی‌شود و تا سه روز پس از آن اتصال خود را با تن حفظ می‌کند حتی هنگامی که نعش را به خاک می‌سپارند باز هم روان تماسش را قطع نمی‌کند و گاهی بالای سر بدن و گاهی به منزل و نزد بستگان خود باز می‌گردد و در طی این سه شبانه روز، روان شخص ثواب کار دایم خوشحال و مسرور است و روح فرد گناهکار، بر عکس همواره مغموم و غمگین است، بامداد روز چهارم درگذشت، روان درگذشته، پگاه بر پل چینوات می‌رسد و از آنجا به کارهای نیک و به او رسیدگی می‌کند، در وندیداد در روایات زرتشتی این چنین بیان شده که بامداد روز چهارم درگذشت، روان نیکوکار به همراه وجدان خود که به شکل موجودی زیبا و دوست داشتنی درآمده است رهسپار بهشت می‌شود و روح آدم گناهکار به اتفاق وجدانش که به شکل موجودی زشت و بدقواره درآمده است به سوی دوزخ ژرف و تاریک سرنگون می‌گردد. در بامداد روز چهارم در نزدیکی پل چینوات، دادگاهی به داوری

مهرایزد و با حضور فرشتگانی چون سروش رشن، اشتاد، تشکیل می‌شود و به حساب کارهای نیک و بد روان در گذشته رسیدگی دقیق می‌شود روان پاک از پل چینوات می‌گذرد وارد بهشت می‌شود و کفه کارهای بد اگر سنگین باشد و به دوزخ سرنگون می‌شود (بصیری، مولی، ۱۳۷۹: ۱۸۶-۱۸۵).

عقیده جان راسل هینلز: آداب دینی زرتشتی بر اعتقادی پایه ریزی شده که مرگ سلامی برای شر محسوب می‌شود جسم مرده صحنه‌ای از پیروزی شر بر خیر است بنابراین جایی است که شر قدرتمندانه حضور دارد و توجه اصلی مراسم سوگواری، محدود کردن شر و دور نگهداشتن آن از آفرینش زنده و تندرست چیز است و هنگامی که انسان‌ها در زمان مرگ مورد قضاوت قرار می‌گیرند پندار و گفتار و کردار آن‌هاست که در ترازو سنجیده می‌شود و زندگی خود زنان و مردان بر اساس آن داوری می‌شود (راسل هینلز، ۱۹۴۱: ۹۳-۷۷). در عقاید زرتشتی دو دادگری وجود خواهد داشت یکی پس از مرگ و دیگری در روز رستاخیز و انسان باید در دو جنبه وجودی‌اش مورد قضاوت، پاداش یا مجازات قرار بگیرد و دادگری پس از مرگ قطعاً جنبه روانی است زیرا جسم بر جای مانده بر زمین را می‌تواند ببیند و دادگری پس از رستاخیز برای جسم است که روان و جسم هر دو مورد قضاوت قرار گرفته و اصلاح شده‌اند تنها در آن زمان است که انسان کامل می‌تواند در صلح و صفا زندگی کند (همان: ۶۹).

عقیده جان ناس: روان پاک یا نفس پلید انسان هنگامی که به پل جداکننده می‌رسد دچار شکنجه و عذاب خواهد گردید و در خانه دروغ زندگی خواهد بود. بر حسب گاتها دوزخ یا خانه دروغ مکانی است که به نام جایگاه فاختوشی نام دارد و در آنجاست که پندار از نابکار و اندیشه‌های نادرست جای دارد و سرزمینی که بویی گند از آن برمی‌خیزد و پر است از چرکی و پلیدی و از اعماق ظلمانی فریاد شیون و ناله به گوش می‌رسد و هر کس در آنجا بیفتد یکه و تنها به شکنجه جاویدی دچار می‌گردد ولی راستکاران در خانه نغمات به گفته گاتها بهشت برین است جای می‌گزینند (جان ناس، ۱۳۷۷: ۴۲۵-۴۲۴).

عقیده سید قطب: و کسانی که نیکویی و بدی‌هایشان برابر باشد در میان آسمان و زمین سرگردان و از تمام تغییرات هوا یعنی سرمای شدید دروغ و عذاب‌اند، و در آرزوی

رهایی از این سرگردانی هستند مشهورترین کسی که در دنیای سرگردان‌اند گرفتار است شخصی به نام کریراشیا او ابتدا حیوانی را کشته است و برای او پاداش خوبی در نظر گرفته‌اند اما بعد به آتش مقدس توهین می‌کند و گنااهش برابر ثواب اولی می‌شود. بنابراین بین بهشت و دوزخ قرار می‌گیرد، بدیهی است میان عقیده مصریان قدیم و زردشت اخلاقی چندان وجود ندارد (سید قطب، ۱۳۴۹: ۴۱).

عقاید یونانیان درباره قیامت

در پاره‌ای از رسالات/فلاطون عقیده به زندگی پس از مرگ آشکارا اظهار شده است در خطابه دفاعیه، سقراط برای تأیید عقیده خود به این که مرگ را مصیبت نمی‌پندارند و از آن باک ندارد، می‌گوید: امر از دو حال بیرون نیست یا کسی که می‌میرد هیچ می‌شود پس دیگر چیزی در نمی‌یابد یا چنانکه می‌گویند مرگ گذر کردن نفس است از جایی به جای دیگر. هرگاه شق اولی راست باشد خوابی است آسوده که هیچ رؤیایی آن را پریشان نمی‌سازد اما اگر مرگ گذر کردن از جایی به جای دیگر است و این سخن راست است که آنجا میعادگاه همه مردم است چه نعمت از این بهتر تصور می‌توان کرد؟ و در «رساله اقریطون» که گفت‌وگوی سقراط با یکی از شاگردانش به نام اقریطون در زندان است که اشاره به مرگ می‌کند و مرگ را شبیه به کشتی می‌داند که زمان موعد مرگ اوست و در «رساله فیدون» که ماجرای گفت‌وگوی او با شاگردش است و در آخرین روزهای زندگی سقراط است و موضوع آن اثبات خلود نفس انسانی است و در پایان آن فلاطون تصویری تخیلی از دنیای دیگر در وصف بهشت و دوزخ و سرگذشت آینده پارسایان و پرهیزکاران و شریران و ناپاکان را نشان می‌دهد. اگر مرگ خاتمه همه چیز بوده، شاید اهمیت نداشت که نفس آدمی چه قسم نفسی بود؛ زیرا پس از گذراندن چند سال، شرارتش با زندگی‌اش پایان می‌یافت لیکن نفس همیشه زنده است صفت ذاتی و باطنی خود را چه خوب و چه بد با خود به جهان نادیده می‌برد و آینده بی‌پایانش به آن منوط است.

به نظر/ارسطو در انسان دو نفس یا دو عقل می‌توان تشخیص داد یکی منفعل و دیگری فعال. نفس یا عقل منفعل همان است که در بدن به منزله صورت است با ماده

یعنی تن یکی شده است و از آن جدا نمی‌شود. احساسات و تخیل و حافظه و ادراکات دیگر و غم و شادی و محبت و جمع نفسانیات به این نفس منتسب است و این نفس با مرگ فانی می‌شود و به نظر ارسطو از شخصیت فردی چیزی باقی نمی‌ماند و عقل فعال که مستقل و مفارق و غیر منفعل است و وجودی بالفعل دارد و از وجود او عقل منفعل فعالیت داشت و با آنکه زمان با عقل منفعل متحد بود می‌تواند از آن جدا شود و پس از مرگ به عقل منفعل باقی می‌ماند و جاودانی و فناپذیر است. عقل فعال چیزی است الهی و از اموری که در حیات واقع می‌شود اثر نمی‌پذیرد و با عقل منفعل نمی‌آمیزد و به همین جهت هنگام مرگ فرد از میان نمی‌رود و وجودی ابدی دارد (سید قطب، ۱۳۴۹: ۱۷-۱۶).

هومروس یا هومر نویسنده یونانی که در حدود نهصد سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته است در کتاب معروفش به نام «ایلیاد و اودیسه» که به فارسی از طرف مرحوم سعید نفیسی ترجمه شده است عقیده به قیامت و پاداش بد و خوب مردمان را یادآوری می‌کند هرچند که می‌گویند داستان هیوز قبل از هومر نوشته شده است و او از آن داستان استفاده نموده است. هیوز مکانی است در زیر زمین که ارواح مردگان در آنجا فرود می‌آید. رب النوع باد بهاری به نام برسفونیه بر آن مکان هرگز نمی‌گذرد تا برای همیشه تاریک باشد. هومر در کتابش می‌نویسد همه ارواح در این عمل به صورت اشباح درمی‌آیند که هرگز بدنشان لمس نمی‌شود زیرا جسم خود را در روی زمین جا گذاشته‌اند و بدن‌هایشان به سوی این ارواح بازگشت ندارد (سید قطب، ۱۳۴۹: ۴۲).

عقاید مصریان درباره معاد

در قدیمی‌ترین ملت‌ها مثلاً مصر قدیم اعتقاد به روز رستاخیز و پاداش نیک و بد برای نیکان و بدکاران وجود داشته و بعداً پس از هزاران سال این عقیده در همه جا گسترش یافته است. در حدود ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد مصریان به دنیای دیگری برای رسیدگی به کارهای خوب و بد مردم باور داشته‌اند به طوری که این موضوع اعتقاد همه مردم بود نه فقط عقیده کاهنان و مردان متدین و پیداست که ریشه این امر به بشر ما قبل تاریخ می‌رسد. در این تاریخ پرستش (اوزریس) در میان مردم رواج داشت و این پرستش بنیانش بر این قرار است که همه مردم از شاه و رعیت در دنیای پس از مرگ

مسئول کارهای خود هستند و همگی در پیشگاه داوری (اوزریس) قرار خواهند گرفت. ریاست این دادگاه با او معاونینش (توشه، اتوبیس هوریس، و مقات) با چهل و دو قاضی دیگر است. هرگاه این دادگاه به نفع کسی رأی بدهد که در دنیا از کارهای بدش نیکوکاری کرده در بهشت و نعمت جاویدان قرار گیرد و مانند اوزریس خواهد بود. در صورتی که به محکومیت و برتری گناه کسی بر خوبی‌های او رأی داد پاداش چنین کسی این است که یا خوراک درندگان شود یا در آتش بیفتد و یا به مجازات‌های دیگری برسد (سید قطب، ۱۳۴۹: ۳۵).

مصریان نسبت به زندگی بعد از مرگ همیشه بدگمان نبوده‌اند و آنان به حیات بعد از ممات ایمان داشته‌اند. مصریان قدیم به معاد و رستاخیز ایمان داشته‌اند و سعادت را بعد از مرگ می‌جستند و سعادت بعد از مرگ وابسته به حفظ بدن و جسد است. کتاب «مناجات مردگان» که با میت به خاک سپرده می‌شد شامل افسون‌ها و اورادی بوده است که مجسمه‌های خادمان و خادمه‌های میت به وسیله آن‌ها به زندگی بازمی‌گشته است و برای خدمت ارباب مرده شود آماده شده‌اند (جان ناس، ۱۳۴۵: ۵۹-۵۸-۵۷).

اندیشه دنیای پس از مرگ در دیانت هند قدیم

در دیانت هندی، تناسخ از باورهای این مکتب است. تناسخی‌ها معاد بشر را داخل همین جهان مادی می‌دانند و آن‌ها به فرقه‌های مختلف که اشاره می‌شود معروف هستند (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۵۷).

در سرزمینی که عقیده به تناسخ اینچنین محکم و راسخ است، موت و مرگ را نابودی مطلق نمی‌شمارند بلکه به معنای تغییر وضع، یعنی ظهور حیات به صورتی جدید می‌دانند و در نواحی گرمسیر هیچ وقت مرگ و نابودی دائمی وجود ندارد. خشکیدن و فرسودگی نباتات را برای آن می‌دانند که از نو سرسبزی و طراوت بار بیاورند و حیات به صورت تازه‌تر و جوان‌تر جلوه کند و شیوا خدایی که هلاکت و فنای موجود است در ید قدرت اوست و برای او صفات موجهه نیز قائل شده‌اند (جان ناس، ۱۳۴۹: ۲۷۸).

جمعی از تناسخی‌ها گفته‌اند خداوند هفت دوره انسان روی زمین خواهد آفرید و دوره انسان مدت ۵۰/۰۰۰ سال طول کشیده و برای مردم دوره اول صحنه قیامت بر پا

شده است انسان‌های مؤمن و نیکوکار به آسمان صعود کردند، و طبقه مردم بدکار و پست به طبقه دوم زمین فرو رفتند این همان معنی بهشت و دوزخ است که در کتاب‌های آسمانی یادآوری شده است. به همین وضع دوران انسان‌ها به پایان خواهد رسید تا انسان‌های مؤمن در صف فرشتگان درآیند و مردم زشت صفت در طبقه هفتم به صورت حشرات پست و پلید زندگی کنند. اما عده‌ای که انسان‌ها را بعد از مرگ منتقل به مردم دیگر می‌دانند معتقدند که بهشت و دوزخ در همین جهان است و در هر دوره که بر روح انسان می‌گذرد در کیفر و پاداش دوره قبل را در همین جهان می‌بینند (آیت الله علم الهدی، ۱۳۷۶ق: ۵۸).

کارما

بر اساس قانون کارما، به معنای کردار، آدمی نتیجه اعمال خود را در دوره‌های بازگشت مجدد خود در این جهان می‌بیند کسانی که کار نیک انجام داده‌اند در مرحله بعد زندگی مرفه و خوشی دارند، و آنان که کار بد می‌کنند در بازگشت با بینوایی و بدبختی دست به گریبان خواهند بود و چه بسا به شکل حیوان بازگشت کنند به عقیده برخی تناسخیان بازگشت انسان‌ها ممکن است به یکی از چهار صورت زیر باشد که از جمادات تا انسان‌ها را شامل شود و تصادفاً به ترتیب الفبا منظم شده است:

۱. رسخ: یعنی حلول روح شخص متوفی در جماد

۲. فسخ: یعنی حلول روح شخص متوفی در نباتات

۳. مسخ: یعنی حلول روح شخص متوفی در حیوانات

۴. نسخ: یعنی حلول روح شخص متوفی در انسان‌ها (تناسخ)

اندیشه ویرژیل نویسنده رومی

پس از گذشت پانصد سال از دوران عظمت یونان شاعر بزرگ مقدر رومی ویرژیلینا کتابی به نام «انبیازد» را در دوازده بخش به رشته تألیف درآورد. شش قسمت آن مانند «اودیسه» و شش قسمت دیگر مانند «الیاده» هومر است و قهرمان داستان مردی به نام اینیاس است که به دنیای زیرزمینی مردگان راه می‌یابد تا با پدر خود ملاقات کند و از او

درباره آینده خود و آینده خانواده خود سؤالاتی بنماید راهنمای اینیاس در دنیای مردگان راه می‌یابد تا پدرش را ملاقات کند. اینان پس از دیدن میلیاردها اشباح و ارواح از روی نهری به نام ستکس عبور می‌کنند. این رودخانه در دوزخ قرار دارد و پر از مار و حیوانات خطرناک است. از آنجا به سرزمین نامیدی می‌رسند که ارواح مأیوسان و ناامیدان در آنجا قرار دارند. دوزخ و *ویرژیل* نویسنده رومی با کمی اختلاف همان دوزخ هومر نویسنده یونانی است (سید قطب، ۱۳۴۹: ۵۰۵۱).

گنشین و تصویرهای بهشت و دوزخ

می‌گویند رسم تنبوتسو- ذکر پیوسته نام بودای امیدا، را یک کاهن تندایی به نام «آنین» در سال ۸۴۷ از چین به ژاپن آورد. کم کم در میان راهبان کوه هی ائی رواج یافت و قوت گرفت. در سال ۹۴۴ کسانی که خود را وقف آن کرده بودند جرگه‌ای به رهبری گنشین (۹۴۲-۱۰۱۷) تشکیل دادند. گنشین در گسترش کیش امیدا به خارج از جامعه راهبان کوه هی ائی سهم بزرگی داشت. در کتاب «لوازم رستگاری» او ده ساحت هستی ماده جهان را توصیف می‌کند، از جهان دوزخ تا دنیای بدهی‌شا. تواما یا بهشت را در بر می‌گرفت. گنشین تأکید می‌کند که اعمال شخص در این جهان تعیین می‌کند که پس از مرگ در کدام جهان از نو زاییده خواهد شد ولی بیش‌ترین قدرت تصویری را هشت دوزخ گنشین داشت: دوزخ دریای خون، دوزخ آتش، و الخ... دوزخ‌ها چنان هراس انگیز بود که مردم به هر بهائی تلاش کردند از آن‌ها بگریزند و در بهشت متولد شدند. گنشین که هنرمند با ذوقی بود، تصوراتش را به زبان نقاشی و مجسمه بیان می‌کرد. نقاشی‌های با این مضمون، موسوم به راتیگو- امیدا از بودا در حال فرود از بهشت غربی‌اش بر روی پاره ابری زرین در معیت جمعی از بدهی‌سا نواهای نیکوکار برای نجات فرد مؤمنی در بستر مرگ، بسیار تأثیرگذار بودند (میچکو یوسا، ۱۳۸۲: ۶۱).

مکتب مراقبه (ذن) در بودای چین

در این مکتب بودائیان چینی از بودا امیتابه که یکی از محبوب‌ترین بوداهای جدید آیین بودای مه‌ایانه است، طلب یاری می‌کنند در بهشتی که امیتا در آن ساکن است

پاک بوم خوانده می‌شود، و در این مکان باشکوه درختان از جنس گوه‌های گرانبه‌های رنگارنگ‌اند. نیلوفرهای بهشتی آن جهانی از نیلوفرهای زمینی (این جهانی) بزرگ‌ترند. پرندگان بی وقفه آواز می‌خوانند از ابرها صدای نغمه شنیده می‌شود و از نسیمی که از درختان برمی‌خیزد دینگ دانگ ناقوس‌ها بلند می‌شود. هر کس که از آمیتا پیروی کند روزی به این باغ مصفای پاک بوم خواهد رسید. این سنت (پاک بوم) در قرن هفتم در چین پیدا شد. بوداییان پاک بوم معتقدند اگر نام آمیتابه را بخوانند آنان را پس از مرگ به پاک بوم هدایت می‌کند. این باور مرهمی بر زخم‌های ناشی از این جهان است از صرف ذکر نام او به تدریج مردمی‌ترین شکل دین در چین پیدا شد (وانگو، ۱۳۹۶: ۷۱).

عقاید آیین بودای تبتی در مورد معاد

یکی از مناسک مهم در آیین بودا تبتی مربوط به محتضر است در سنت. وجره یا نه، شخص پس از مرگ وارد برزخ (بردو) می‌شود و تا ۴۹ روز در آنجا می‌ماند. بردو یا برزخ بودایی تبتی فاصله میان مرگ و زندگی بعدی است در این فاصله زمانی شخص وارد نیروانا می‌شود و یا به چرخ زاد و مرگ بازمی‌گردد. «کتاب مردگان» یک راهنمای معنوی است که به لاماهات در یاری رساندن به متوفی برای استفاده از یک فرصت طلایی برای پایان دادن به چرخ وجود کمک می‌کند.

آمادگی برای مرگ

گزیده‌ای از کتاب تبتی مردگان: لاما در گوش محتضر این‌ها را زمزمه می‌کند: اندام‌های سازنده (نام محتضر) در حال تجزیه‌اند. کنش‌های روانی‌ات در حال جداشدن از کالبد توست، و در حال ورود به برزخ‌اند. بیدار کن نیروی خود را تا به حالت خویشنداری و آگاهی کامل وارد شوی. سه روز و یک نیمروز پس از مرگ تو، بوداها و بودایفان تا هفت روز بر تو آشکار خواهند شد. بوداها با این شگفتی و شادی بخشی که دارند هرگز تو را به وحشت نمی‌اندازند. تسلیم وحشت نشو! با نماز ببر آن‌ها را، با فروتنی و ایمان راسخ خواهی دید که در یکی از قوس‌های رنگین‌کمان در دل والدین آسمانی محو می‌شود و در یکی از قلمروهای بوداها ساکن خواهی شد (شجاعی، ۱۳۹۶: ۹۵-۹۴).

آثار یاد موت و معاد

در پایان این مقاله خوب است اشاره‌ای به نقش و ارزش یاد مرگ و معاد شود. آثار تربیتی معاد در تمام ادیان، چه ابراهیمی و چه غیر ابراهیمی، به چشم می‌خورد و نظارت بر رفتار و اعمال در انسان را موجب می‌شوند.

امام صادق(ع) درباره یاد مرگ و معاد چنین می‌فرماید: ۱. ذکر الموت یُمیتُ الشهوات: یاد مرگ شهوت‌ها را از یاد می‌برد. ۲. ویقلَعُ منابتَ الغفلة: ریشه‌های غفلت را یکسره برمی‌کند. ۳. ویقَوی القلبَ بمواعِدِ الله: دل انسان را با وعده‌های الهی محکم می‌کند. ۴. ویبرقّ الطَّبَع: روحیه انسان را از قساوت به لطافت سوق می‌دهد. ۵. ویکسِرُ اعلامَ الهوی: یاد مرگ نشانه‌های هوس‌ها را می‌شکند. ۶. ویطْفئُ نارَ الحرصِ ویحَقِّرُ الدنیا: آتش حرص را خاموش و دنیا را در جلو چشم انسان کوچک می‌کند(قرائتی، ۱۳۶۳: ۷۱-۷۰).

نتیجه بحث

در انتهای کلام و جمع بندی این مبحث باید اشاره شود که معاد با سایر اصول دین از جهتی تفاوت دارد زیرا آنطوری که توحید و نبوت با ادله عقلیه ثابت می‌شود نمی‌توان برای تمام جزئیات معاد که عقل به درک آن‌ها راه ندارد استدلال عقلی نمود. گرچه اصل معاد لزوم بازگشت بشر برای رسیدن به نتیجه اعمال و کردارش به حکم عقل ثابت و غیر قابل انکار است ولی جریان سیر انسان در قبر و برزخ و قیامت از حدود ادراک عقل خارج است و قواعد فلسفی و براهین و استدلالات عقلی در این مورد نه‌تنها اطمینان‌آور نیست بلکه بی‌راه و نارواست؛ و باید به آیات الهی و کتاب مقدس آسمانی که با دلایل قطعیه ثابت شده، و همچنین گفتار سفیران و حجج حقه الهیه که حقانیت‌شان در جای خود مبرهن گردیده، گوش فرا داد، و آفریدگار دنیا و آخرت از ماجرای آن عالم مطلع است.

کتابنامه

قرآن کریم

- بی ناس، جان. ۱۳۷۳ش، **تاریخ جامع ادیان**، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- توصیفی، حسین. ۱۳۸۹ش، **آشنایی با ادیان بزرگ**، قم: مؤسسه فرهنگی طه - جامعه المصطفی العالمیه.
- جان، راسل. ۱۳۹۳ش، **آیین زردشت و پارسیان**، مترجم: سعید علی محمدی، قم: نشر ادیان.
- حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. ۱۴۳۷ق، **معادشناسی**، جلد اول، مشهد: نور ملکوت قرآن.
- سید قطب. ۱۳۴۹ق، **دورنمای رستاخیز در ادیان پیشین و قرآن**، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، بی جا: چاپخانه حیدری.
- شجاعی، محمد. ۱۳۹۷ش، **معاد یا بازگشت به سوی خدا**، چاپ پنجم، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طاهرزاده، اصغر. ۱۳۸۶ش، **معاد**، بازگشت به جدی ترین زندگی، اصفهان: لب المیزان.
- علم الهدی. ۱۳۷۶ق، **معاد و عدل یا مراحل تنهایی بشر**، بی جا: انتشارات کتابخانه افتخاریان.
- قرائتی، محسن. ۱۳۶۳ش، **معاد**، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۳ش، **معاد**، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا.
- وانگو، مدویناز. ۱۳۹۶ش، **ادیان جهان: آیین بودا**، مترجم: علیرضا شجاعی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- یوسا، میچیکو. ۱۳۸۲ش، **دین های ژاپنی**، ترجمه حسن افشار، تهران: نشر مرکز.

مقالات

- رستمی زاده، رضا و حلیمه محمدی. تابستان ۱۳۹۲ش، «**واکاوی حقیقت عالم برزخ**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۱۴.

Bibliography

The Holy Quran.

Bi Nas, John. 1994, *Comprehensive History of Religions*, translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Scientific and Cultural Publications.

Tosifi, Hussein 2010, Introduction to the Great Religions, Qom: Taha Cultural Institute – Jamea Al-Mustafa Al-Alemiya

John, Russell. 2014, Zoroastrianism and the Persians, translated by Saeed Ali Mohammadi, Qom: Religions Publishing.

Hosseini Tehrani, Seyed Mohammad Hossein. 1437 AH, Resurrection, Volume I, Mashhad: Noor Malekut Quran

Seyed Qatab, 1970, The Perspect of the Resurrection in the Ancient Religions and the Qur'an, translated by Gholamreza Khosravi Hosseini, Bija: Heidari Printing

Shojaei, Mohammad 2018, Resurrection or Return to God, Fifth Edition, Volume One, Tehran: Anteshar Co.

Taherzadeh, Asghar. 2007, Resurrection, Return to the Most Serious Life, Isfahan: Lab Al-Mizan.

Alam al-Hoda. 1997 AH, Resurrection and Justice or the stages of human loneliness, No place: Eftekharian Library Publications.

Qaraati, Mohsen 1984, Resurrection, Qom: Jama'at al-Modaresin Fi Al-Hoze Al-Elmiyeh

Motahari, Morteza 1994, Resurrection, Volume One, Tehran: Sadra Publications.

Wango, Medobaz. 2017, World Religions: Buddhism, Translator: Alireza Shojaei, Qom: University of Religions

Yosa, Michiko. 2003, Japanese Religions, translated by Hassan Afshar, Tehran: Markaz Publishing.

Articles

Rostamizadeh, Reza and Halimeh Mohammadi. Summer 2013, "Analysis of the Truth of the Purgatory World", Quarterly Journal of Quranic Studies, No. 14.

The Prospect of Resurrection in the Teachings of Qur'an and non-Abrahamic Religions

Akram Bandali Shamshaki

MA in Theology (Religions and Mysticism), University of Isfahan

Abstract

For a long time, different peoples, nations and cultures have answered differently and even contradictorily to this question: Some have believed that death is complete non-existence and man will be completely annihilated. Some believed in reincarnation and said that after death (immortality of the soul), human souls enter in the body of an animal or human, plant, solids and continue to live in this world, and a large group, often understood the teachings of the prophets believed another world and believed in the reward and punishment of the righteous and the wicked people. Philosophers and sages have also expressed various opinions and thoughts in this field according to their religions and tastes, and have spoken in the form of philosophical or mystical reasoning and expression, and those who have considered life limited to this worldly life are in fact superficial and popular people with the materialist way of thinking.

Keywords: Prospect (waiting) Resurrection Teachings of the Holy Quran Non-Abrahamic religions.